

وکیلیم؟

تهمینه حدادی ●●●●
عکس: رضا بهرامی ●●

سال‌های قبل
می‌رفتیم سراغ
رشته‌های تحصیلی،
امسال با خودمان
گفتیم برویم سراغ
مشاغل... برویم و
بدانیم همه چیز، آن
درس‌هایی نیست که باید
بخوانیم... فکر کریم حتماً هر
شغلی خم‌وچم دارد و ما آنها را
نمی‌دانیم.

یک شغل سخت

همیشه سرشان شلوغ است. بیشتر صبح‌ها می‌روند دادگاه و تا سه و چهار مشغول کار هستند، اما تازه کار جدی آنهایی که دفتر دارند از ساعت چهار به بعد شروع می‌شود. آنها به دفترهایشان می‌روند و منتظر موکل‌ها می‌مانند، پشت این میزهای شیک، در کنار کیف‌های شیکی که دستشان می‌گیرند گاهی تا ده یازده شب در دفتر می‌مانند.
گاهی باید در هر ساعت شبانه‌روز آماده باشند گاهی باید ساعت‌های متوالی از این کلانتری به آن دادگاه بروند. آن وقت است که شغل پول‌ساز و کالت معنای سخت و واقعی این را پیدا می‌کند.

بعد فکر کردیم از کجا شروع کنیم؟
وکالت شغل جالبی بود و لازم بود؛
خیلی‌هایمان درباره این شغل جذاب بیشتر
بدانیم.
گفتیم چه کنیم و چه نکنیم که
مهدی حیدری به کمک ما آمد. او
فوق‌لیسانس حقوق خصوصی دارد.
حرف‌های او را که شنیدی، کنجکاوتر که
شدی، می‌شود به کانون و کلا سر زد.
می‌شود این اطلاعات را کامل‌تر کرد.





از دریافت مدرک تا پروانه کار

وکیل‌ها چند دسته‌اند. وکیل‌های دادگستری که مدرک تحصیلی می‌گیرند و بعد باید پروانه وکالت بگیرند. وکیل‌های مدنی که نیازی به تحصیل ندارند؛ برای مثال کسی به وکالت کسی کاری را انجام می‌دهد در دادگاه یا محضر. وکالت انفاقی هم کسانی هستند که لیسانس حقوق دارند. اما پروانه وکالت ندارند. آنها فقط می‌توانند وکیل افراد درجه یک خانواده‌شان شوند. البته این کار هم به یک نامه قانونی احتیاج دارد.

وقتی تو مدرک و پروانه‌ات را گرفتی می‌توانی کار را شروع کنی. هر کسی خودش انتخاب می‌کند وکیل چه حوزه‌ای باشد. بعضی‌ها همه نوع پرونده‌ای را قبول می‌کنند. اما بعضی‌ها هم هستند که فقط وکیل پرونده‌هایی با یک موضوع می‌شوند. به نظر من این طوری بهتر است. آن وقت چند سال بعد تو متخصص یک حوزه می‌شوی و دیگران فقط به تو مراجعه می‌کنند. هر کسی که لیسانس حقوق گرفت نمی‌تواند فوری وکیل شود. یک امتحان ورودی دیگر هم وجود دارد. تو می‌توانی در چند رشته آزمون بدهی. اولی آزمون قضاوت، دومی سردفتری، سومی وکالت. در آزمون هر کدام که قبول شوی به تو پروانه می‌دهند و تو با آن پروانه اجازه کار کردن داری.

آنچه شما ندیده‌اید

دیدن صحنه‌های وحشتناک گوشه‌ای از کار ماست. در دانشگاه می‌گویند باید بروی اتاق تشریح جسد. این کار را گروهی انجام می‌دهیم یا تکی. بعد باید بازندان را روبه‌رو شوی. این بخشی از شجاعت است. تو باید نترس باشی و دنبال حق بروی. اگر جلوی قاضی صدایت بلرزد آن وقت معلوم می‌شود به کار خودت مطمئن نیستی. اما بعدها می‌فهمی سختی کار چیز دیگری است. یکی اینکه نباید به کسی قول بدهی حتماً حق او را می‌گیری؛ چون او به تو اطمینان می‌کند و اگر نتوانی حق او را بگیري خیلی ناخوشایند است. مسئله دیگر استرس کار است. بعضی شب‌ها می‌شود که تا صبح نخوابی. حتی ممکن است به خاطر این استرس‌ها مریض هم بشوی.



یک وکیل

دیگر چه چیزی بلد است

یک وکیل آرام آرام یک روان‌شناس خوب هم می‌شود. چطوری؟ خوب، معلوم است ممکن است کسی به تو مراجعه کند و دروغ بگوید. همان‌طور که گفتم وکیل قرار است حق پایمال شده را بگیرد پس باید مطمئن شود که حقی پایمال شده. پس در همان جلسه اول می‌فهمد کسی که به او مراجعه کرده همه چیز را نمی‌گوید یا ممکن است دروغ بگوید.

باید این ویژگی‌ها را داشته باشی:

- ۱- علاقه
- ۲- انگیزه
- ۳- شناخت
- ۴- خون‌سردی و حفظ آرامش
- ۵- شجاعت

شعارهای من در کار

آقای حیدری می‌گوید من شعاری در کارم ندارم اما یک خط قرمز بزرگ دارم: به هیچ عنوان راضی نمی‌شوم که با پایمال کردن حق دیگران در پرونده‌ای پیروز شوم و از آن مهم‌تر اینکه من وکالت را یک شغل پولساز نمی‌دانم. این شغل را یک فرصت می‌بینم برای گرفتن حق دیگران و ایجاد عدالت و در کنار آن هم برایم مهم است که پیشرفت کنم.

حرف آخر

یک چیزی من را اذیت می‌کند.

چه چیزی؟

اینکه همه دوست دارند وکیل و پولدار شوند. کسی که می‌خواهد وکیل باشد اول باید به فکر این باشد که عدالت را برقرار کند.



۱۵۸۸۷۵/۶۵۶۷